اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت ۱۸۳)

درمان بیماری (بخش ۲۶)

شجره ملعونه – شجره ممنوعه – درخت لعنت شده – شبکه رانده شده

قسمت ۲

در قسمت قبل گفته شد که خدای حکیم مهربان یک سیستم زوجیت را در دل خوراکی ها قرار داده است و اگر این زوجیت رعایت نشود، باعث بیماری و دردسر خواهد شد. بطور مثال گندم از زوجهای کربوهیدرات و سبوس تشکیل شده است. اگر در تهیه آرد گندم، سبوس و مواد مفید دیگر گندم را از آن جدا کنید، یعنی این زوج و ترکیب را ناقص کرده اید و در نتیجه مصرف نان بدون سبوس، مشکلات زیادی را ایجاد میکند و بیماری زاست. این همان

شجره ملعونه و ممنوعه است که خدا آن را طرد کرده است. چیزی که خدا آن را طرد کند، مضر است و سیستم سلامتی انسان را به خطر می اندازد. نان حاصل از گندم کامل، زیاد خوشمزه نیست و شاید ظاهرش خیلی سفید نباشد. اما انسان باید یاد بگیرد که در هر چیزی لذت و مزه و ظاهر را بر خصوصیات اصلی و مهم ترجیح ندهد. نان یک غذای تفریحی نیست و بلکه مصرف روزانه هر انسانی است و بنابراین عاقلانه نیست که بخاطر مزه و ظاهر و راحتی پخت، از خصوصیات مهم او کم کنید و آن را ناقص کنید. ناقص کردن این مواد غذایی نوعی ناشکری و ناسپاسی است. یکی از جنبه های شکرگزاری همین مورد است.

شاید کسی بپرسد که چرا رعایت این نوع تغذیه اینقدر مهم است؟ جواب این سوال خیلی مهم است.

زیرا کسب معنویت در دل رعایت و اجرای همین هاست

بعضی ها فکر میکنند که بدست آوردن معنویت فقط با مطالعه و تفکر بدست میاید. اگر چه مطالعه و تفکر و سایر ابزارها هم موثر هستند. اما معنویت کاربردی که یقین برای شما ایجاد کند در چیزهایی است که خودتان آن را رعایت می کنید و آن را پیش می برید. روشی که خودتان اجرا کنید و آن را

عملا پیش ببرید، خیلی با خواندن و تذکره و یادآوری سرگذشت دیگران فرق میکند. سرنوشت انسان به سعی و تلاش و کوشش خودش بستگی دارد. هر کسی باید نسخه عملی خودش را در این دنیا برای خودش به اجرا بگذارد.

يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى ﴿۳۵﴾

[آن] روز است که انسان آنچه را که در پی آن کوشیده است به یاد آورد (۳۵)

وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ﴿۳۹﴾

و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست (۳۹)

وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى ﴿۴۰﴾

و [نتیجه] کوشش او به زودی دیده خواهد شد (۴۰)

ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى ﴿۴۱﴾

سپس هر چه تمامتر وی را پاداش دهند (۴۱)

وَأَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى ﴿۴۲﴾

و اینکه پایان [کار] به سوی پروردگار توست (۴۲)

به این طریق روشی که خودت عملا اجرا کنید، با روشی که رویش فکر می کنید، خیلی متفاوت است. انسان باید تک تک سلولهای بدنش را هم با روش و قوانین خدای رحمان پرورش دهد و به این طریق بنیه ای قوی پیدا میکند. در روز حساب و کتاب حتی اعضای بدن ما علیه ما شهادت میدهند و اگر معنویت صحیحی را به اعضای بدن خود ثابت کرده باشید؛ دیگر شهادت آنان علیه تو نخواهد بود و با تو همراه خواهند شد.

يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾

در روزی که زبان و دستها و پاهایشان بر ضد آنان برای آنچه انجام می دادند شهادت می دهند (۲۴)

يَوْمَئِذٍ يُوَفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ﴿٢٥﴾

آن روز خدا جزای شایسته آنان را به طور کامل می دهد و خواهند دانست که خدا همان حقیقت آشکار است (۲۵)

ما با اعضای بدن و کالبد خویش زندگی میکنیم و بنابراین اگر نظام رحمانی را بر آنان اجرا کنیم و به آنان تقوا را بچشانیم، قطعا کار ما راحت تر خواهد بود. اگر انسان بتواند در تغذیه (جسمی و معنوی هر دو)، تقوا را رعایت کند؛ قطعا کالبدش را هم با معنویت رحمانی همراه خواهد کرد.

شهادت دادن اعضاء بدن جهنمیان علیه آنها، به این خاطر است که سبک تغذیه جسمی و روانی آنان در دنیای فانی بر خلاف فطرت و خلقت اعضاء بدن آنان بوده است. بنابراین اعضاء بدن انسان که موجوداتی تسلیم شده هستند، علیه صاحبانشان شهادت خواهند داد و گواهی میدهند که صاحبانشان در دنیای فانی برخلاف فطرت، روش معکوس را به آنان تحمیل میکردند.

حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٠﴾

تا چون بدان رسند گوششان و دیدگانشان و پوستشان به آنچه میکرده اند بر ضدشان گواهی دهند (۲۰)

وَقَالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢١﴾

و به پوست [بدن] خود می گویند چرا بر ضد ما شهادت دادید می گویند همان خدایی که هر چیزی را به زبان درآورده ما را گویا گردانیده است و او نخستین بار شما را آفرید و به سوی او برگردانیده می شوید (۲۱)

وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَٰكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٢﴾

و [شما] از اينكه مبادا گوش و ديدگان و پوستتان بر ضد شما گواهى دهند [گناهانتان را] پوشيده نمى داشتيد ليكن گمان داشتيد كه خدا بسيارى از آنچه را كه مى كنيد نمى داند (۲۲)

وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿۲۳﴾

و همين بود گمانتان كه در باره پروردگارتان برديد شما را هلاك كرد و از زيانكاران شديد (۲۳)

فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ وَإِنْ يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ ﴿۲۴﴾

پس اگر شكيبايى نمايند جايشان در آتش است و اگر از در پوزش درآيند مورد اجابت قرار نمى گيرند (۲۴)

مجرمان به اعضاء بدن خود می گویند چرا بر ضد ما شهادت دادید، آنها در جواب می گویند:

همان خدایی که هر چیزی را به زبان درآورده ما را گویا گردانیده است و او نخستین بار شما را آفرید و به سوی او برگردانیده می شوید.

همانطور که می بینید، اعضاء بدن انسان موجوداتی ذی الشعورند که روال طبیعی و فطری خود را قبول دارند و بر آن اساس کار میکنند، مگر اینکه

انسان روال دیگری را بر آنان اجبار کند. مثلا اگر یکی از اعضاء بدن ما پرچرب شود و بیماری سختی بگیرد، بخاطر روال غلطی است که در تغذیه در پیش گرفته ایم و به نوعی اعضاء بدن خود را به صدا در آورده ایم. به نطق درآمدن اعضاء بدن در قیامت، مربوط به این دنیا هم هست، اما با کمی تفاوت. وقتی چربی زیاد بخورید، اعضاء بدن انسان واکنشهای مناسب و منطقی خواهند داشت. واکنشهای منطقی را میتوان از عبارت (قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ**) که در آیه ذکر شده است، نتیجه گرفت. اما انسان میتواند این واکنشها را خفه کند و آن را بپوشاند. این یک نوع کفر است. اما کسی که روی شجره ممنوعه و ملعونه قرار گرفته است و طبق آن تغذیه میکند، دیگر این واکنشهای منطقی و مناسب را نخواهد داشت و در نتیجه بدون آن که بداند، دچار بیماریهای مختلف خواهد شد. بدن و کالبد انسان در یک جایی کم می آورند و دیگر با خواهشهای نفسانی انسان همراه نخواهند شد و این همان آخر الزمان هر کسی است. باید در حد توانایی خود، روال درستی را بر جسم و بدن خود اجرا کنیم و تمام سعی و تلاش خود را در این مورد انجام دهیم.**

یک معتاد میداند که مصرف مخدرات بدبختش میکند، اما ترک آن از توان جسمش بر نمیاید. جسم یک معتاد با او همراه نخواهد بود و این مشکل بزرگی است. زیرا او آن را با معنویت پرورش نداده است. وقتی جسمش با او

همراه نباشد و توانایی آن را نداشته باشد؛ عملا در کار انجام شده قرار می گیرد و روان او هم تسلیم میشود و همان رویه جسمی را می پذیرد. در قیامت این روال بر عکس خواهد شد و جسم انسان علیه او شهادت میدهد که به اجبار تن به روال غلط داده است.

خیلی ها میدانند که روزه خیلی خوب است و از نظر معنوی به آن ایمان دارند ولی توان جسمی اجرای آن را ندارند و در نتیجه به معنویتی که خود به آن اعتقاد دارند، پایبند نخواهند بود. همین خودش اهمیت تغذیه جسمی را ثابت میکند. تغذیه جسمی حتی می تواند روی معنویت ما هم تاثیرگزار باشد. کنترل تغذیه بسیار بر زندگی و روال زندگی ما موثر است. افرادی هستند که نماز بجا نمی آورند اما در ماه رمضان روزه می گیرند و جالب است که آنان استثناءا در رمضان نماز هم بجا می آورند. این ثابت میکند که تغییر در سبک تغذیه میتواند معنویتهای دیگر را هم با خود همراه کند. در همین جا میتوان اهمیت ماه رمضان را متوجه شد.

آدمها نمی توانند به سادگی دست از لذتها و تکرارهای تغذیه ای و دوپامینی بکشند. روش تغذیه غلط مثل اعتیاد است که گریبانگیر آدمی را می گیرد. تغذیه مجازی و معنوی هم در این مبحث مطرح است. گاهی آدمی بین ورودی ها و تغذیه های یک ایدئولوژی خاص گیر می افتد و در آن جذب میشود.

تنها راه این است که نسبت به تغذیه ها و ورودیهای این ایدئولوژی تقوا پیشه کند، تا از دست آن لذت خطرناک نجات یابد. در واقع معنای تقوا هم همین است. یعنی پرهیز در استفاده از روشهای غلط تغذیه مجازی و جسمی و خوراک.

در قسمت قبل گفتیم که خدای رحمان در فرآیند تغذیه، به غذای تلخ بعد از شیرین و یا چرب توصیه میکند (وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ)**؛ تا که چرخه و شجره مضر را قطع کند و شما را از آن حریم خارج کند. هر تغذیه ای یک متوقف کننده ای باید داشته باشد تا از حالت زنجیرواری و شجره ای بیرون آید. یکی از دلایل پرخوری، ناقص کردن مواد غذایی است که مواد غذایی ناقص یک میل کنترل نشده نسبت به مواد غذایی و مزه ها ایجاد میکند. زیرا مواد غذایی ناقص، بطور اتوماتیک فقط با مکمل خودش در بدن آرام می گیرد و گرنه آرام و قرار ندارد و باعث پرخوری های مضر میشود. این نوع تغذیه از نظر معنوی همگی به مانند کلمه خبیثه ای می مانند که آرام و قرار ندارند.**

وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ ﴿۲۶﴾
و مثل سخنی ناپاك چون درختی ناپاك است كه از روی زمین كنده شده و قراری ندارد (۲۶)

يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ﴿٢٧﴾

خدا کسانی را که ایمان آورده اند در زندگی دنیا و در آخرت با سخن استوار ثابت می گرداند و ستمگران را بی راه می گذارد و خدا هر چه بخواهد انجام می دهد (٢٧)

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ ﴿٢٨﴾

آیا به کسانی که [شکر] نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت درآوردند ننگریستی (٢٨)

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴿٢٩﴾

[در آن سرای هلاکت که] جهنم است [و] در آن وارد می شوند و چه بد قرارگاهی است (٢٩)

در ادامه می فرماید که :

آیا به کسانی که نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت درآوردند ننگریستی؟

در واقع دستکاری در نعمت خدا، بطوریکه خواص اصلی آن محصول را از آن جدا کنید؛ نوعی ناشکری و ناسپاسی و کفر است (بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا)**. این کار نتیجه ای جز نابودی و هلاکت ندارد. خدا آن را** دَارَ الْبَوَارِ **(سرای هلاکت) می نامد. در آیه بعدی، این خانه هلاکت را جهنم می نامد** (جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ) **که افراد مجبورند در جهنم آرام و قرار گیرند، البته بدترین نوع آرام و قرار. بنابراین با کمال تعجب و شگفتی، ناقص کردن زوجهای غذایی آنقدر مهم است که میتواند آدمی را به جهنم ببرد. جهنم ادامه یک نوع سبک تغذیه غلط است.**

خدای رحمان در مورد قوم شعیب به آنان هشدار میدهد که وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ **(چیزهایشان را بی ارزش نکنید). کلمه اشیاء که در آیه آمده است میتواند شامل چیزهای زیادی باشد، از جمله مواد غذایی. یعنی مواد غذایی آنان را ناقص نکنید که فساد به دنبال خواهد داشت.**

وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٨٥﴾

و ای قوم من پیمانه و ترازو را به داد تمام دهید و حقوق مردم را کم مدهید و در زمین به فساد سر برمدارید (۸۵)

بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ﴿٨٦﴾
اگر مؤمن باشید باقیمانده [حلال] خدا برای شما بهتر است و من بر شما نگاهبان نیستم (۸۶)

در آیه بعد می فرماید که بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ، **یعنی آنچه که خدای رحمان برای شما باقی می گذارد، همان بهتر و مناسبتر است. بنابراین مواد غذایی مردم را ناقص نکنید و آنان را در زنجیره بیماریها نیندازید. یعنی بسته بندیهای خدای رحمان را دست کاری نکنید. چرا سبوس و سایر مواد غذایی گندم را از آن جدا می کنید؟ آیا این چیزی جز ناقص کردن اشیاء نیست؟** وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ **(چیزهایشان را بی ارزش نکنید = مواد غذایی را بی ارزش نکنید و خاصیتهای مهم آن را دستکاری نکنید). متاسفانه سرنوشت ملتهای قبل از نزول قرآن دوباره تکرار میشود.**

همچنین در مقالات قبلی ثابت شد که عشق یک امر شیطانی است. یکی از دلایل شیطانی بودن عشق، نداشتن متوقف کننده است. عشق، زوجیتهای صحیح نظام رحمانی را به هم می ریزد. زن و مرد باید همدیگر را نصیحت کنند و همدیگر را به حق و صبر دعوت کنند. اما فلسفه عشق میگوید که برای عشقت بمیرا! و همیشه قربان صدقه اش بروید و از گل نازک تر به او نگوئید! و ... . با این اوصاف، مفهوم عشق هیچ جفت متوقف کننده ای ندارد و ظاهرا

همه شرایط و لحظات طبق آن مثل گل و بلبل است! حال آنکه در نظام رحمانی، زن و شوهر مثل لباسند برای هم و همچنین باید همدیگر را به صبر و حق توصیه کنند. اما عشق یک روال یکنواخت قربان صدقه ای بی معنی را پیشنهاد میدهد که در مقایسه با تغذیه خوراک مثل این است که همیشه چربی و شیرینی بخورید. عاشق و معشوق میلشان روز بروز بیشتر میشود، زیرا هیچ مزه تلخی در رابطه آنان قابل پذیرش نیست. افراد بدون آن که خود بدانند، عشق آنان را در شجره ملعونه و ممنوعه می اندازد. عشق میل عظیمی است که قابل کنترل نیست و یک میل تمام نشدنی در آن نهفته است و پایان ناپذیر است.

وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا ﴿۲۷﴾

خدا می خواهد تا بر شما ببخشاید و کسانی که از خواسته ها[ی نفسانی] پیروی می کنند می خواهند شما دستخوش انحرافی بزرگ شوید (۲۷)

يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا ﴿۲۸﴾

خدا می خواهد تا بارتان را سبك گرداند و [می داند كه] انسان ناتوان آفریده شده است (۲۸)

اما واقعیت زندگی این دنیا این است که انسان ضعیف و محدود خلق شده است و توانایی این همه کشش را ندارد. دلبستن به عشق و مسائل مربوطه آدمیان را بیمار میکند و آنان را دچار جنون و بیماریهای روانی میکند. زیرا عشق آنان را به شجره ملعونه وصل میکند، وقتی دو نفر در شجره ملعونه قرار گیرند و از آنجا که هیچ متوقف کننده ای ندارند، دچار انواع بیماریهای دیگر جسمی و روانی هم خواهند شد. اگر چه خود عشق هم یک نوع بیماری روانی خطرناک است. چرا بیشترین مشکلات مردم جهان در مسائل زناشویی است؟ این امر را خرافه ای به اسم عشق بوجود آورده است و گرنه مشکلات خیلی مهتر از این هم در دنیا وجود دارد. اما مسائل و مشکلات زناشویی آنها را در حاشیه قرار داده است. محیط زیست، ناقص شدن نان و سایر مواد غذایی مهم، مصرف آب و آلودگی هوا و ... مسائل مهمتری هستند که در سایه مشکلات عشقی، به حاشیه رانده شده اند.

گوشت خوک هم خاصیتی دارد که جفت متوقف کننده ندارد. کسانی که گوشت خوک خورده اند، طبق تجربه خود اعلام کرده اند که بعد از مصرف آن، دلشان هوای مشروب و چیزهای دیگری کرده است. این یعنی گوشت خوک مثل زقوم خاصیت پرخوری دارد. یکی از خواص زقوم، پرخوری است. بعد از خوردن زقوم، افراد روی شجره ملعونه می افتند و تا آخر برگهای

شجره میروند و بطن خود را پُر پُر میکنند. شاید هم زقوم که یک شجره است، نماد یک درختواره و ازواج غذایی است که هیچ متوقف کننده ای ندارند.

یهودیان معتقدند که وقتی مسیح بیاید، شرایطی را پیش خواهد آورد که گوشت خوک را حلال میکند. یعنی شرایط علمی آن موقع طوری خواهد بود که گوشت خوک پاک میشود. مسیحیان با همین تصور غلط، گوشت خوک را حرام نمی دانند. اما قرآن به عنوان آخرین کتاب آسمانی و یک کتاب آخر الزمانی، حرف آخر را زده است. بشر هیچوقت با علمش نمیتواند گوشت خوک را پاک کند. از این مورد میتوان نتیجه گرفت که در آخر الزمان اگر چه علم بشری پیشرفتهای زیادی میکند ولی در سبک تغذیه اشتباهات هولناکی خواهد کرد. گوشت خوک هیچوقت با هیچ تکنولوژیی پاک نمیشود؛ زیرا هیچ جفتی ندارد. انجیر و انجیرمانندها، جفتی مثل زیتون دارند که آن را کامل و پاک میکند. وقتی انجیر (معیار خوشمزگی) می خورید، باید با زیتون (تلخی)، هوای خود را متوقف کنید. این نوع توقف به نوعی کامل کردن و پاکیزه کردن تغذیه هم هست. طهارت در تغذیه بر خلاف بعضی تصورات، فقط به معنای شستن ماده غذایی قبل از استفاده نیست؛ بلکه به معنای کامل کردن آن، عدم اسراف و متوقف کردن آن است.

اما گوشت خوک ساختار بخصوصی دارد که هیچ جفتی رویش کار نمی کند. خوک هربار که میزاید، شش هفت بچه میزاید و این بچه خوکها در مدت زمان کمی وزن می گیرند که از نظر بازدهی، سی چهل برابر گاو بیشتر فایده اقتصادی دارند. بنابراین کشورهایی که به خط قرمزهای دینی باور ندارند، به تهیه گوشت خوک روی آورده اند، زیرا از هر نظر به صرفه است. اما خدای رحمان آن را ممنوع کرده است. زیرا از نظر خدا کیفیت مهم است و نه زیاده خوری از یک محصول بی کیفیت و مضر. گاهی این کشورها برای راضی کردن جمعیت زیاد خود، تغذیه مردمشان را با گوشت خوک و یا روشهای خوک مانند انجام میدهند. به این طریق مردمی که گوشت خوک مصرف میکنند، روی شجره ملعونه قرار می گیرند. روی این شجره، جفت متوقف کننده برای گوشت خوک وجود ندارد. بنابراین فشار تغذیه بیشتری بر آن مردم خواهد آمد. دولتها کار خود را به این طریق راحت خواهند کرد ولی از دید کلی و واقع بینانه، خوردن گوشت خوک به ضرر اقتصاد آن کشور است. زیرا مصرف و پرخوری زیاد خواهد شد و مردم روی یک شجره ملعونه قرار می گیرند و در کلیت، منابع آن کشور بیشتر اسراف خواهد شد. اقتصاد واقعی مبتنی بر فقط محاسبات ریاضی نیست. هوش معنوی، استایل زندگی و روش تغذیه، جنبه مهم اقتصاد است که انسان مغرور آن را در نظر نمی گیرد و به علم خودش مغرور شده است.

خطر قرمزها و قوانین خدا بوسیله محاسبات اقتصادی بشر، قابل پیش بینی نیست. اقتصاد واقعی همیشه اعداد و ارقام نیست. اقتصاد بدون هوش معنوی، مسیر غلطی را طی خواهد کرد. افراد زیادی در جهان با در آمدهای زیاد زندگی میکنند. اما گاهی افراد خاصی بادرآمد خیلی پایین تر، بهترو با کیفیت تر از این پردرآمدها زندگی میکنند. اینها همگی یک هوش معنوی را می طلبند که در شجره ملعونه این هوش معنوی کاربردی ندارد.

انجیر نماد شیرینی و لذت است. اما زیتون نماد صلح است. پس زیتون، انجیر را به حالتی معتدل و سالم سوق میدهد و با هم کنار میایند و به این طریق انجیر در کنار زیتون به سکون میرسد. این یک ترکیب مادی و معنوی هم هست. انجیر انرژی سریع دارد ولی زیتون انرژی آهسته و پایدار. این دو کنترل کننده هم هستند. حتی این مورد برای زوجهای انسانی هم مطرح است. اگر یکی از زوجین، سریع و عجول باشد، ولی دیگری صبور باشد؛ میتواند عیب آن دیگری را بپوشاند. انجیر کلسیم دارد و زیتون چربی. کلسیم در حضور چربی زیتون بهتر جذب میشود. بنابراین ترکیب این دو جذب املاح را بهینه خواهد کرد. بالارفتن قند خون بخاطر انجیر و در ادامه ثابت ماندن آن و گرفته شدن سرعت آن بخاطر چربی زیتون. این حالت خیلی مفید است برای احساس سیری طولانی و جلوگیری از پرخوری. در نتیجه هاضمه سالمتر، جلوگیری از دیابت و ... . این دقیقا همان چیزی است که همه در تغذیه سالم

دنبال آن هستند. اما قرآن با یک آیه آن را بیان فرموده است. قرآن استایل صحیح زندگی را هم برای ما مشخص فرموده است. قرآن کتاب نشانه ها و نکته هاست.

آب سرد زوج مناسبی برای چربی نیست. نماز زوج مناسبی برای سُکر نیست. به همین خاطر خدای رحمان می فرماید در حین سکاری (در حین مستی، خیالات، توهمات) نزدیک نماز نشوید (لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى**).**